



ایران در آستانه  
انتخابات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای اجتماعی کشور

جستارهایی در  
ایران در آستانه انتخابات

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ۱۳۹۴

جستارهایی در

## ایران در آستانه انتخابات

به سفارش شورای اجتماعی کشور

### رصد فرهنگ و اجتماع - ۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ماه ۱۳۹۴

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات / [تهیه و گردآوری] پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، رصد فرهنگ و اجتماع؛ [برای] شورای اجتماعی کشور. - تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴.

۳۶۶ ص.؛ جدول، نمودار. - (رصد فرهنگ و اجتماع؛ ۳)

موضوع: ۱. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - مقاله‌ها و خطابه‌ها ۲. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - جنبه‌های جامعه‌شناختی ۳. انتخابات - ایران  
شناسه افزوده: الف. ایران. وزارت کشور. معاونت اجتماعی. شورای اجتماعی کشور ب. فروست

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج. ۵ الف / ۱۷۱۶ DSR

رده بندی دیویی: ۰۸۴۴/۹۵۵

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات

شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نوبت چاپ: آبان ۱۳۹۴

## فهرست مطالب

مقدمه / سیدمرتضی میرباقری \_\_\_\_\_ ۷

### ■ ■ ■ انتخابات و ملاحظات اجتماعی فرهنگی

- ۱۱ \_\_\_\_\_ پیچیدگی جامعه و کنش جمعی مردم در ایران / محمد آقاسی
- ۲۱ \_\_\_\_\_ نگاهی به رابطه روحانیت و مجلس، از مشروطه تا امروز؛ استغنائی سازمان روحانیت از مجلس / حسن اجرایی
- ۳۳ \_\_\_\_\_ انتخابات پارلمانی، هویت جمعی و امر سیاسی / ریحانه اصلان زاده
- ۴۱ \_\_\_\_\_ سازمان‌های رفاهی، کنترل سیاسی، شهروندی / رضا امیدی
- ۴۷ \_\_\_\_\_ تأملی بر مشارکت طبقه متوسط در انتخابات پیش‌رو / یاسر باقری
- ۵۷ \_\_\_\_\_ پیامدهای نگاه اصلی به جای نگاه آلی به انتخابات در ایران / محمدرضا جوادی یگانه
- ۷۱ \_\_\_\_\_ اقوام و انتخابات / ابراهیم حاجیانی
- ۸۳ \_\_\_\_\_ بررسی هویت مورد نظر گفتمان جمهوری اسلامی ایران در قبال زنان / سید محمدمهدی خوبی
- ۹۷ \_\_\_\_\_ وندالیسم انتخاباتی؛ تخریب اموال عمومی یا تخریب افکار عمومی؟ / محمدمهدی رحمتی
- ۱۰۳ \_\_\_\_\_ اقتصاد انتخابات مجلس / علی سرزعیم
- ۱۱۱ \_\_\_\_\_ لنینی شدن فرایند / علیرضا شجاعی زند
- ۱۲۳ \_\_\_\_\_ امتناع وعده‌های انتخاباتی در سطح ملی / عباس عبدی
- ۱۳۱ \_\_\_\_\_ مجلس شورای اسلامی و سرمایه اجتماعی / غلامرضا غفاری
- ۱۴۱ \_\_\_\_\_ تحلیل پیامدهای اجتماعی و فرهنگی انتخابات؛ از منظر منازعات کلامی / محمد جواد غلامرضا کاشی
- ۱۵۱ \_\_\_\_\_ الزامات مجلس دهم برای بقا و ارتقای ایران / محمد فاضلی
- ۱۶۳ \_\_\_\_\_ گذار به مردم‌سالاری مستقیم / ناصر فکوهی
- ۱۷۱ \_\_\_\_\_ دروغ‌گویی در انتخابات؛ اشکال، سطوح، و پیامدها / حسن محدثی گیلوایی
- ۱۹۵ \_\_\_\_\_ احزاب شه‌ساخته دوره پهلوی و انتخابات / رضا مختاری اصفهانی
- ۲۰۳ \_\_\_\_\_ انتخابات فرصتی برای انشقاق یا ائتلاف / احمد میدری
- ۲۱۵ \_\_\_\_\_ ملاحظات درباره انتخابات در ایران / جواد میری
- ۲۲۳ \_\_\_\_\_ انتخابات و فرهنگ شهرت؛ مشاهیر ورزشی و هنری (سلبریتی‌ها) و انتخابات در ایران / راضیه یاسینی

### ■ ■ ■ انتخابات و مطالبات

- ۲۳۹ \_\_\_\_\_ انتخابات و مطالبات زنان / شیرین احمدنیا
- ۲۴۹ \_\_\_\_\_ انتخابات و مطالبات رأی اولی‌ها / سمیه توحیدلو
- ۲۶۳ \_\_\_\_\_ انتخابات، آموزش عمومی و مسئله آب / جبار رحمانی

- ۲۷۳ \_\_\_\_\_ مطالبات در حوزه گاز طبیعی و آینده ایران / مجید عباسی
- ۲۸۱ \_\_\_\_\_ انتخابات و اقلیت‌های مغفول: صدا و ژئوپلیتیک قومی-دینی / مهرداد عربستانی
- ۲۹۳ \_\_\_\_\_ رصد اقتصاد هنر ایران در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی / محمدرضا مریدی

### ■ ■ ■ انتخابات و رسانه‌ها

- ۳۰۱ \_\_\_\_\_ رویکرد شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به انتخابات ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۰۹ \_\_\_\_\_ استفاده از ظرفیت پیام‌رسان‌های موبایلی در انتخابات / شادی ضابط
- ۳۱۹ \_\_\_\_\_ آن‌لاین بدون ایمیل / محمد معماریان
- ۳۳۱ \_\_\_\_\_ الگوی تبلیغات رسمی انتخابات در ایران با تأکید بر صداوسیما / نوح منوری
- ۳۳۹ \_\_\_\_\_ ناآرامی در نهاد ناپایدار شبکه همراه / فرشاد مهدی‌پور
- ۳۴۷ \_\_\_\_\_ رفتار انتخاباتی با نگاهی به مصرف رسانه‌ای / عباس نعمتی
- ۳۵۷ \_\_\_\_\_ اهمیت ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی مجازی در آستانه انتخابات مجلس دهم / حسین یزدان‌شناس

## ■ ■ ■ ملاحظاتی دربارهٔ انتخابات در ایران

سید جواد میری

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ایران

این نکته که نفس انتخابات «بیعت دوبارهٔ مردم با نظام» است، شاید از بدیهیات تمامی نظام‌های مردم‌سالار و دموکراتیک در عصر معاصر باشد. البته، شاید گروه‌هایی در ایران هنوز پایبندی اصولی خویش به این مهم را باور ندارند و این خود نیار به واکاوی جدی دارد، اما موضوع اصلی این جستار چرایی عدم پایبندی این نوع گروه‌های سیاسی به این اصول نیست. از این رو، پرداختن به این امر را به جستاری دیگر موکول می‌نمایم. انتخابات فرایندی است که اعتمادسازی را در جامعه احیا می‌کند، اما چرا انتخابات پیش رو، انتخاباتی حساس و مهم در جامعهٔ ایران است؟ در طول هشت سال دورهٔ ریاست آقای احمدی‌نژاد، تخریب‌های زیادی در جای‌جای نظام ما صورت گرفت و رابطهٔ میان دولت و ملت و به

بیانی دیگر ملت و ساختارهای حکومتی، شکافی بس عمیق برداشت. بی‌اعتمادی چنان در جامعه رسوخ یافت که به نظر برخی، بازسازی آن شاید به بیست الی سی سال زمان نیاز داشته باشد. با روی کار آمدن دولت جدید، یعنی ریاست آقای روحانی، فضایی در داخل ایران متولد گشت که در همان بادی امر، نگاهی مثبت در میان مردم ایجاد شد که تنها محدود و منحصر به داخل مرزهای سیاسی ایران نبود، بلکه سطح منطقه و حتی جهان را نیز در برمی گرفت، به خصوص با به سرانجام رساندن برجام، فضای تنفسی در ایران ایجاد گردید که اگر بخواهیم از این فرصت‌ها و فضاهای ایجاد شده در ایران به نحو احسن بهره جوییم، نیازمند بازنگری در آرایش نیروهای سیاسی در ایران هستیم. می‌توان مدعی شد که تقریباً در دو دهه اخیر، یعنی از ابتدای دولت خاتمی و پس از آن دولت احمدی‌نژاد، جامعه سیاسی ما از منظر آرایش نیروها در حالتی فرسایشی قرار گرفت؛ به این معنا که به جای استفاده و بهره‌جستن از ظرفیت‌های موجود در جامعه نظیر نهاد رهبری، نهاد ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان و... به عنوان ظرفیتی جهت متبلور کردن نیروهای فعال و خلاق جامعه و رشد و بالندگی جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و...، نیروهای سیاسی خود را در تقابل با یکدیگر تعریف کردند. یکی از مکان‌هایی که این تقابل به معنای اشد کلمه به منصفه ظهور رسیده و هویداست، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و شورای نگهبان است. تداوم این امر در درازمدت همان‌طور که به وضوح در دو دهه اخیر شاهد آن بودیم. موجب سوختن ظرفیت‌های موجود در جامعه خواهد شد و باید توجه داشت که سوزاندن ظرفیت‌های جامعه برای مثال تنها به کاهش تولید خالص ملی محدود نمی‌شود، بلکه یکی از مؤلفه‌های اصلی و کلیدی قدرت، یعنی «اعتماد مردم به کارایی سیستم» از بین خواهد رفت. از بین رفتن این اعتماد به ضربه‌هایی شدید منجر خواهد شد که ما را در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل در وضعیتی بغرنج قرار خواهد داد. البته، شایان ذکر است که وضعیت منطقه ما بسیار بحرانی و حساس است و ما امروز در وضعیتی قرار داریم که دور تا دور مرزهایمان مملو از نیروهای افراطی داعش، طالبان، القاعده و... است



که در سطح وسیعی در منطقه نفوذ و گسترش پیدا کرده‌اند و موجب گشته‌اند که منطقه در حالتی انفجاری قرار بگیرد و این امر بر ایران - حتی در داخل مرزهای سیاسی خود- تأثیرگذار بوده است و این وضعیت رویکرد همه‌جانبه و دقیق از سوی مسئولان ارشد نظام را می‌طلبد که باید جدای از نگاه‌های جناحی و سلايق فردی به سیاست‌گذاری‌های کلان نظام بپردازند.

حال، پرسش اینجاست که چگونه می‌توان از انتخابات در داخل ایران استفاده کرد. نیروها و نهادهایی که نقش‌های اجرایی و نظارتی دارند، باید نقش خود را بازتعریف کنند. به عبارتی دیگر، اجرا و نظارتی که بر عهده آنان است، آیا باید به معنای جناحی تعریف و تبیین گردد، یا باید معطوف به منافع ملی باشد و آنها در تعریف نظارت و استصواب آن را در نظر گیرند؟ باید توجه داشت که منافع ملی نمی‌تواند بر اساس منویات یک فرد یا تنها یک طیف تعریف گردد، بلکه منافع ملی یعنی منافی که ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، اشتغال‌زایی و هر آنچه موجبات رفاه، رشد و بالندگی جامعه در مقایسه با دیگر سیستم‌ها در سطح منطقه و حتی جهانی را فراهم می‌آورد، در نظر گرفته شود.

راه درک و فهم این امر، تعریف و تبیین استراتژی بر اساس پارامترهای استصوابی و برهم‌زدن یا کنترل آرایش نیروهای سیاسی نیست. هنگامی قادر به درک پارامترهای استصوابی خواهیم بود که منافع ملی خویش را بشناسیم. برای شناخت آن، باید از یک‌سری شاخصه‌ها مطلع گردیم؛ شاخصه‌های قدرتی که در کشورهای پیش‌رو نه‌تنها تعریف و تبیین گشته است، بلکه بر بازیگران بین‌المللی و دیگران در تمام کشورهای جهان نیز تحمیل شده است. برای درک این شاخصه‌ها نیازمند متخصصانی هستیم که قادر به درک اینها بوده و بتوانند این مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها را به معنای عملیاتی به کسانی که نظارت نهادهای استصوابی را در دست دارند، تفهیم کنند. مشخصاً قدرت‌های سایه باید ظرفیت‌هایشان را تحت نظارت قانون درآورند و این‌گونه نباشد که قدرت یک بسیجی یا یک روحانی بتواند تمام هیئت دولت را کن‌فیکون کند. این به معنای آن است که مشخصاً ما نیازمند تقویت دولت به معنای اخص کلمه در صحنه

سیاسی ایران هستیم و مادامی که به این لوازم ملزم نگردیم، صحنه سیاست عرصه سیاست‌گذاری دانش‌محور و قانون‌مدار نخواهد بود، بلکه نظام به سلايق افراد تقلیل پیدا خواهد کرد. باید توجه داشت که امروزه جهان قرن بیست‌ویکم مملو از ماتریکس‌های مختلف و پیچیدگی‌های بسیار متضاد، متناقض و بعضاً بسیار عمیق و شبکه‌ای است و درک این نظریه‌های پیچیده به صورت عملیاتی برای نهادهای ناظر ضروری و بایاست. انتخابات مجلس ایران به گونه‌ای می‌تواند راه و راهکارهای آرایش سیاسی ما را در دهه آینده تعیین کند؛ به این معنا که هندسه تعاملات سیاسی در ایران می‌تواند وارد فاز جدیدی شود؛ به این معنا که پارلمان‌تاریسم به عنوان یک مدل مؤثرتر در آینده فرم سیاسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه جدی قرار گیرد.

برخی نیروهای تندرو و اصولگرا با ادعای پاسداری از حریم ولایت، خود را تحت لوای نهاد رهبری تعریف می‌کردند، درحالی‌که با چنین نگاه و رویکردی چندان معلوم نبود که مفهوم حریم ولایت چگونه در راستای منافع ملی تعریف می‌شود و با پارامترها و شاخصه‌هایی که منجر به تولید قدرت و حفظ منافع ملی در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود، چه ارتباطی دارد؟ در این بینش و نگاه، این مفهوم عملیاتی به این امر تقلیل داده می‌شد که باید سخنان رهبری را نیت‌خوانی کرد و بر اساس آن نیز برخی نیروهای سیاسی را حذف یا طرد می‌کردند. اما، این روند و روش باید تغییر کند. برای آنکه مردم و بازار و نیروهای فعال اقتصادی به باور برسند، باید تأکید کرد که روند کنونی که از سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن دولت روحانی رقم خورده است، روند فرسایشی نظیر دوران خاتمی نیست، بلکه نیروهای معتدل دو طرف به برآیند و نتیجه‌ای رسیدند که جامعه ایران و نظام جمهوری ایران دچار چالش‌های واقعی شده است. برای گشودن این گره‌ها به دست نیروهای سیاسی خود و برای جلوگیری از فروپاشی و ازهم‌گسیختگی، باید اجازه دهیم که جامعه انتخاب خود را به صورت شفاف از طریق مجلسین خبرگان و شورای اسلامی نشان دهد. باید جامعه سیاسی و مدنی را به سوی بالندگی و رشد سوق داد. با نگاه‌های حذفی و جناحی، نیروهای خلاق

سیاسی، که می‌توانند گره‌گشای مسائل داخلی ایران و به تبع آن مسائل خارج از ایران بوده و با افکار عمومی ارتباط برقرار نمایند، نباید حذف گردند. اگر به عنوان مثال ۲۰۰۰ نفر را حذف و ۳۰۰۰ نفر را رد صلاحیت کرده و با نگاه جناحی هیئت‌های اجرایی و نظارت مانع از ورود بسیاری افراد به فرایندهای سیاسی شویم، ضرباتی بس مهلک بر بنیان‌های سیاسی و رشد شعور سیاسی ما وارد خواهد شد. مقصود از ورود نیروهای خلاق به مجلس، پرشدن صندلی‌های مجلس نیست، بلکه هر فرد در هر پست و سمتی در مجلس آیینة تمام‌نمای شعور سیاسی ماست. هنگامی این شعور سیاسی به صورت خلاقانه می‌تواند خود را به جامعه و جامعه سیاسی تحمیل کند که نیروهای بالغ و بالنده در آن وجود داشته باشد. وجود افرادی که فاقد پختگی و بالندگی سیاسی هستند و تنها به دلیل زدوبندهای جناحی به عنوان نماینده طیفی خاص در مجلس حضور پیدا کرده‌اند و خود را در ذیل مدافعان حریم ولایت تعریف می‌کنند، چندان مفید واقع نخواهد شد.

اکنون که در سطح منطقه و جهانی وضعیت آرایش سیاسی ایران در حال ارزیابی است، انتخابات آتی باید حامل پیامی مثبت در داخل جامعه و فراتر از مرزهای سیاسی باشد و صحنه نمایش انسجام و وحدت میان اقشار مختلف سیاسی و مردم باشد. این پیام مثبت نه‌تنها موجب تقویت مؤلفه‌های درونی قدرت در ایران خواهد شد، بلکه فضا را چنان تلطیف خواهد کرد که افرادی که قصد ورود به حوزه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری را دارند، به این باور برسند که در داخل ایران فضایی امن حاکم است و فضای سرمایه‌گذاری فراهم است. مقصود از سرمایه‌گذاری فقط سرمایه‌گذاری مادی نیست، بلکه مقصود فضای آرامشی است که در آن نیروهای خلاق و مولد به سرمایه‌گذاری‌های مختلف بلندمدت در حوزه‌های گوناگون در ایران امید داشته باشند.

در حال حاضر، چنین فضایی در ایران وجود ندارد. رکود بازار اقتصادی در حوزه‌های مختلف به دلیل پیام‌های متنوعی است که از سوی نهادهای مختلف - که لزوماً تمامی این نهادها تحت نظر ریاست جمهوری نیست - صادر می‌شود و این پیام‌های منفی حسی را در جامعه القا می‌کند که

از عدم انسجام سیاسی سخن می‌گویند. انسجام سیاسی تنها به معنای وحدت کلمه نیست و مقصود این نیست که تمامی افراد افکار یکسانی داشته باشند، بلکه مقصود اطاعت و فرمانبرداری و همراهی سایر نهادها و حوزه‌ها در خلال تصمیم‌گیری از سوی شورا و نهادهای تصمیم‌گیرنده است. جامعه باید بر اساس عدالت باشد و افراد در منصب‌های مختلف، با معیارهای خاص خود به‌درستی وظایف خود را اجرا کنند. این چنین نباشد که اشخاص با ایثار و ازجان‌گذشتگی به حوزه سیاست ورود پیدا کنند. در این صورت، مسئله باندبازی مطرح خواهد شد که در این صورت فضا برای اختلاس، فساد و هزاران مسئله دیگر فراهم خواهد گشت.

ناگفته پیداست که نفس انتخابات به‌تنهایی قادر به ایجاد تغییرات نخواهد بود، بلکه این تغییرات باید در رویکردها و بینش‌ها ایجاد گردد. ایران ۱۳۵۷ که در آن انقلاب اسلامی روی داد، ایران ۱۳۹۴ نیست. جهان و معادلات جهانی، معادلات دینی و باورهای ملت تغییر پیدا کرده است و ما نیز باید بر اساس این تغییرات و دگرگونی‌های رخ داده، فضایی نوین ایجاد کنیم. در این فضا باید خبرگانی و نمایندگان دارای قدرت آینده‌نگری و کسانی که بر مسائل استراتژیک واقف و از تغییر و تحولات ژئوپلیتیک آگاه هستند و رابطه و مؤلفه‌های قدرت را در کشور می‌شناسند و می‌توانند در جهان رصد کنند، به عنوان نمایندگان مردم وارد مجلسین شوند و مناصب قدرت را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روابط بین‌الملل و... به عنوان بازوی اجرایی دولت در سطح ملی و جهانی به دست گیرند و در صورت وقوع خطا، بر اساس منافع ملی بازخواست گردند. مجلس کنونی بیشتر شبیه مجلسی ناکارشناس و بر اساس منافع باندی و جناحی است که در صورت ابراز سخن و نظر از سوی کسی، به سکوت محکوم خواهد شد.

برای داشتن انتخاباتی معنادار-و نه به صورت صوری و فرمال- باید دستگاه‌های اجرایی و استصوابی، معیارهای صواب را به معنای کلان جهانی بشناسند و مطلع باشند که تشخیص صواب از ناصواب تنها معنای فقهی ندارد و این تمییز و تشخیص باید بر اساس مقتضیات زمان در فضایی جهانی باشد، چراکه صواب از منظر یک فقیه یا اندیشمند در قرن

چهارم، از لحاظ ماتريکسى بسيار متفاوت است با صواب از منظر فقيهى ديگر در قرن بيست و يکم. بايد اين مهم را درک کرد و کسانى قادر به درک اين مسئله هستند که به صورت جهانى بينديشند و به صورت محلى رفتار کنند.